

سبب تحصیلات کالج را پایان رسانده اند. فراغ تحصیل از دوره کالج متضمن
 اخذ درجه B.A. (۱) یا B.S. (۲) است که اولین درجه ای است که
 مدارس عالیہ اعطاء میکنند. عموماً برای اخذ این درجه باید داوطلب
 دارای ۱۲۰ واحد اعتبار باشد. هر واحد عبارتست از تحصیل یک ساعت
 در هفته در شش ماه تحصیلی (یک فصل شش ماهه). اگر درسی را که میخواهید
 بخوانید هفته سه ساعت خواهد بود در یک فصل شش ماهه ارزش آن درس از
 لحاظ اخذ درجه سه واحد خواهد بود و همین که معلم آن درس بوسیله امتحان
 تصدیق کرد که آن درس را شما خوانده اید سه واحد اعتبار خواهید داشت
 و وقتی که باین ترتیب دارای یکصد و بیست واحد اعتبار شدید بشما درجه خواهند
 داد و دیگر یک امتحان کلی وجود ندارد.

درجه بعد موسوم است به M.A. (۳) یا M.S. (۴) بر حسب اینکه چه
 دروسی را داوطلب تحصیل کرده باشد. برای اخذ آن باید علاوه بر داشتن
 درجه B.A. یا B.S. واحد ۳۲ واحد اعتبار بود که عموماً در ظرف یک
 سال میتوان بدست آورد.

پس از نایل بدرجه اخیر چنانچه شخصی بخواهد در دارالمعلمین عالی
 خود را برای دکتری حاضر کند باید اولاً نمرات او در دروسی که خوانده بالا
 تر از حد متوسط باشد - ثانیاً دارای یکی از وسایل تحقیق باشد: یا علم احصائیه
 را بداند یا یک زبان خارجی - یا دوزبان خارجی را خوب بداند. ثالثاً امتحان
 عمومی بدهد. رابعاً چهل و سه واحد اعتبار در رشته تخصصی و در رشته هائی
 که مقررات تعیین کرده بدست آورد خامساً رساله ای که حاکی از تحقیق و

(1) Bachelor of Arts (2) Bachelor of Science
 (3) Master of Arts (4) Master of Science

تبع و نیل بمقصودی باشد تهیه ، پس از اثبات آن در حضور هیئت ممتحنه بطبع برساند . حداقل مدتی که رای این کار لازم است عموماً دو سال است هر يك از قسمتهای دارا لفنون مانند رفا کر لته مهندسی با طب یا حقوق دارای مقررات خاصی راجع به شرایط اعطای درجه است . اساساً اجازه اعطای درجه بدارالفنون در اساسنامه ای قید میشود که بر حسب تقاضای مؤسسه از طرف دوات تدوین و ابلاغ میشود . سپس هیئت معتمدین مقررات آنرا بموجب پیشنهاد رئیس کل دارالفنون وضع میکنند باین ترتیب هر دار الفنونی دارای اساسنامه مستقل و باین نظر نمیتوان در جاتی که از طرف مؤسسات عالیّه امریکا داده میشود با هم برابر دانست بلکه باید دید هر درجه از کدام دار الفنون و در مقابل چه میزان تحصیلات بدست آمده . برای اینکه تا حدی وحدت شکل حاصل شود و بتوان تحصیلات يك دار الفنون را تا اندازه ای با تحصیلات دار الفنون دیگر تطبیق کرد اتحادیه ای از دار الفنونهای مهم تشکیل شده و ملاک هائی (از قبیل میزان تحصیلات معلمان - کمیت و کیفیت لایحه ها و کتابخانه ها و غیره) تعیین کرده اند تا هر دار الفنون واجد آن شد درجات آنرا برسمیت بشناسند . اسامی دار الفنون هائی که واجد این ملاک هستند از طرف اتحادیه مذکور هر ساله منتشر میشود .

نباید تصور کرد که دارالمعلمین عالی فقط درجه اعطاء میکند بلکه با تشخیصی که بر طبق نظامات در یکی از رشته ها تحصیل و در امتحانات آن موفق شوند دیپلم هائی میدهد که در تحت هفتاد و شش عنوان در میآید و ذکر آن در اینجا زائد است .

مخارج یک نفر در دار المعلمین عالی بسته است بطرز زندگانی او . لیکن مطابق تحقیقی که یکی از اعضاء هیئت معتمدین در ۱۹۲۶ از هصد نفر محصل

کرده است حد متوسط مخارج (منزل - غذا - لباس - حق التعلیم - متفرقه)
در يك سال تحصیلي بقرار ذیل بوده :

برای يك نفر مرد ۱۱۶۰ دلار

برای يك نفر مرد با زن از ۱۹۹۶ الي ۲۶۷۴ دلار بر حسب وجود یا عدم طفل.

برای يك نفر زن ۱۰۶۳ دلار

برای اقامت محصلین دار الفنون کلمبیا دارای چهار عمارت است که مجموعاً

۱۳۵۷ اتاق بکنفري دارند . دار المعلمین عالی نیز دارای دو بنای مخصوصی است که

هر يك ده طبقه دارد و فقط برای محصولات میباشد - سه عمارت دیگر نیز

برای محصلینی که دارای عائله هستند تخصیص داده شده . علاوه بر اینیه فوق در

اطراف دار الفنون خانهای متعدد وجود دارد که اطاق یا آپارتمان یا اثنایه

اجاره میدهند .

پس از مراجعت از استرم کینگ من دریکی از این خانها که مشرف بپارک

مرنینگ ساید بود منزل کردم . خانه مذکور دارای شش طبقه و شصت آپارتمان

و سیصد نفر ساکن بود - هر آپارتمان يك اطاق نشست و برخواست يك اطاق

خواب - دو اطاق كوچك - يك مطبخ - يك حمام و مستراح بود . چراغ

برق در تمام اطاقها و راهروها دائماً موجود - آب گرم و سرد در حمام همیشه

وجود داشت و همه اوقات ممکن بود آزادانه حمام رفت . تمام دالانهای عمارت

و حمام و مستراح از کانی سفید مفروش بود . در راهروها لوله ای دیده میشود

بشکل منشور از شیشه که از طبقه عالی تا سطح زمین طول داشت و در هر

طبقه دارای منفذی بود که در فوق آن این سه حرف منقوش بود U.S.M یعنی

پست ممالک متحده امریکا . ساکنین هر طبقه کاغذهای خود را در این منفذ

میانداختند و همه مراسلات در طبقه تحتانی در جعبه ای که در منتهای لوله

بود جمع میشد و ساعتی یکمرتبه فراش پست با اتو موبیل میآمد و جعبه را باز و کاغذها را میبرد. هر آپارتمان دارای یک تلفن خاصی بود که مستقیماً با مرکز مربوط و یک تلفن شام که با تلفن خانه عمارت اتصال داشت. در هر آپارتمان در هر اطاق دو یا سه سوراخ در دیوار بود جهت اخذ قوه برق. یکی از این سوراخها برای کار انداختن رادیو (و در این او اخر تلویزیور استعمال میشد - یکی برای ماشین اطو کشی - یکی برای راه انداختن ماشین جارو کشی یکی برای شست شو و غیره.

طبقه مادون خانه برای چند منظور مهم استعمال میشد که یکی از آنها گرم کردن تمام خانه بود. بوسیله کوره بزرگی دیک عظیمی که مملو از آب بود گرم میشد و بخار آب گرم از لوله هائی که مربوط بان بود بالا رفته تمام خانه را گرم میکرد و بخاری که تبدیل بمایع میشد بوسیله لوله های دیگر به دیگ اصلی عودت مینمود. استفاده دیگری که از طبقه تحتانی میشد این بود که چون تمام مطبخ های آپارتمانها در زیر هم واقع بود لوله گشاد منشوری شکل از بالا تا پائین عمارت از آنها عبور میکرد و در آن طرفی مانند قفس بوسیله قوه برق بالا و پائین میرفت. هر وقت یکی از آپارتمانها برای ناهار و شام خود احتیاج بخريد داشت بوسیله تلفن بمغازه بقالی که در نزدیکی بود تلفن میکرد. در این مغازه ها اقسام ماکولات و مشروبات از قبیل انواع گوشت ها و سبزیجات و بقولات و نانها و لبنیات و شیرینی جات و غیره و غیره موجود است. در سه دقیقه پس از تلفن کردن شاگرد بقال هر چه دستور داده شده بود با اتو موبیل بخانه میآورد و از طبقه تحتانی عمارت بوسیله ظرف قفسی شکل از لوله بالا میداد و بمحض اینکه بمطبخ میرسید زنگی زده میشد و صاحب خانه میدانست هر چه خواسته در آشپزخانه اش حاضر است. بقال صورت اشیا نیز

که میفرستاد در آخر هر ماه برای صاحب آپارتمان از مال میداشت و شخص
 اخیرچک بانك توسط پست باسم بقال میفرستاد.

باز در همین طبقه ماشینهای برقی دیگری بود برای حرکت دادن دو
 آسانسور که در هر يك سیزده نفر ممکن بود سوار شوند و دو نفر سیاه پوست
 مأمور بالا و پائین بردن آن بودند. تمام ساکنین خانه بوسیله این دو آسانسور
 از طبقه بطبقه دیگر میرفتند.

یکی از مختصات مدارس امریکائی اینست که وسایل معاشرت و اجتماع
 محصلین و محصلات را در محافل مخصوص فراهم میسازند تا بدینوسیله اوقات آزادی
 خود را به بهترین وجه گذرانده و شناسائی کامل بحال یکدیگر پیدا کرده ضمناً
 بواسطه اموری که متفقاً در آن اقدام میکنند عادت به تشریک مساعی نمایند
 و ابتکار در زندگانی و اعتماد بنفس حاصل کنند. انجمنهایی که برای این
 کار تشکیل میدهند در مدارس متوسطه و کالج از همه جا بیشتر اهمیت دارد
 زیرا که در آن سن است که شاگرد بحد کفایت برای فهم مسائل اجتماعی رشد
 پیدا کرده و احتیاج بدانستن طرق اقدام و اعتیاد بعمل است. در مدارس
 مافوق عالی مانند دارالمعلمین عالی که محصلین و محصلات بین ۲۴ و ۵۰ سال
 عمر دارند مجامع طلاب بیشتر برای مؤالفت و محالست است. این مجامع از
 لحاظ وجه اشتراك طلاب تشکیل میشود یعنی کسانی که مثلاً شغلی واحد دارا
 هستند یا عشق بموضوع خاصی دارند یا در يك بنا منزل دارند یا اهل يك
 مملکت هستند يك انجمن بوجود میآورند. از اسامی بعضی از این انجمنها
 سنخ آنها معلوم میشود:

کلوب طلاب مافوق عالی

کلوب مذاکره و مباحثه در معضلات امور عالم

کلوب طلاب شعبه تعلیم و تربیت در مدارس متوسطه

کلوب طلاب شعبه تعلیم و تربیت در مدارس ابتدائی

کلوب طلاب شعبه تعلیم و تربیت در کودکان و کلاسهای اول ابتدائی

کلوب طلاب شعبه علم اجتماع از لحاظ تعلیم و تربیت

کلوب طلاب شعبه علوم و ریاضیات

کلوب پرستاران

کلوب محصولات موسیقی

کلوب طلاب کلیعی و غیره و غیره

اعضاء این کلوبها هر ماه مبالغ جزائی پرداخته و در امور آنها اشتراك میکنند. هفته ای یکمرتبه دور هم جمع میشوند و کمیته مدیره هر يك از آنها ترتیبی داده که پس از صرف چای يك یا چند نفر میخوانند یا کنسرت یا مجلس رقص تشکیل میدهند یا یکی از بزرگان نطق میکند. هر سه ماه یکمرتبه در یکی از مهمانخانههای شهر شام یا نهار بااعضاء میدهند و در اینموقع عده ای از اشخاص برجسته را برای صحبت دعوت مینمایند. یکی از انجمنهای فوق الذکر (کلوب طلاب تعلیم و تربیت در کودکان و کلاسهای ابتدائی) در ماه آوریل ۱۹۳۱ شامی در مهمانخانه معروف آستور^(۱) داد و مراهم در آنجا دعوت کردند که ده دقیقه راجع بایجاد تفاهم بین ملل عالم صحبت بدارم. در آنشب متجاوز از دویست نفر خانم و چند نفر محصل حاضر بودند و ناطقین عبارت بودند از دکتر کونتز^(۲) معلم معروف دارالمعلمین عالی و یک نفر از معلمین در الفنون بران که هر يك ده دقیقه در موضوع فوق الذکر حرف زدند. در مدت کمی که باختیار من گذاشته بودند شعر سعدی را که:

(1) Astor (2) G.S. Counts

بني آدم اعضاي يكد يگرند که در آفرينش زيک گوهرند

چو عضوی بندرد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

پرو را ندیدم و گفتم اگر امریکایی باین حقیقت بیرد که شاعر نامی ما در هفتصد سال پیش بیان کرده و تمام ملل را در تمدنی که امریکا فعلاً دارا است سهیم و شریک بداند و همه آنها را لازم برای سعادت بشر بشناسد با دهو کراسی و تمولی که در این مملکت موجود است در دنیا ملت امریکا قائد ملل در ایجاد تفاهم بین المللی خواهد شد. بطور مثال مختصراً سهمی که ایران در تمدن غربی در زمینه مذهب و علوم و صنایع و فلسفه دارد تذکر دادم و مطالبیم بنوعی جلب توجه کرد که یک ربع ساعت عوض ده دقیقه صحبت کردم و رئیس جلسه نه فقط کلامم را قطع نکرد بلکه اظهار مسرت و قدر دانی نمود.

فصل پنجم

از نیویورک بواشنگتن

چنانکه در فصل چهارم گفته شد یکی از دروسی که من سر آن حاضر میشدم موسوم بود به تعلیم و تربیت در امریکا. هفته ای چهار ساعت در کلاس صرف میشد. چهار نفر از زعمای معلمین که عبارت بودند از پروفیسور منرو (۱) پروفیسور کونتز (۲) - پروفیسور ویلسن (۳) پروفیسور دل مانزو (۴) - مبانی تعلیم و تربیت را در امریکا بیان میکردند - اولی از لحاظ تاریخی دومی از نقطه نظر اجتماعی سومی از حیث تشریح سیستم و آخری از جنبه اداری. اضافه بر این چند نفر دیگر از رؤسای شعب فاکولته تعلیم و تربیت از قبیل رئیس شعبه تعلیم و تربیت در مدارس ابتدائی راجع بموضوع

(1) Paul Monroe (2) G. S. Counts (3) L. M. Wilson (4) Del Manzo

تخصصی خودشان چند کنفرانس دادند .

علاوه بر دروس مذکور هفته ای بکر و ز صرف معاینه و دیدن مدارس میشد. این امر نیز بهدایت پرو فسور ویلسن انجام میگردد. من چندین مدرسه در شهر نیویورک و در اطراف آن بطور دقیق مشاهده و معاینه کردم و استفاده زیاد کردم و مسائلی را که ضمن دروس بیان شده بود برای العین ملاحظه نمودم. چون از دیدن این مدارس محصل خارجی ممکن است تصور کند تمام اوضاع تعلیم و تربیت امریکا مانند اوضاع نیویورک است لذا در فصل پائین و فصل بهار مسافرتی باطراف میکنند و در این مسافرت تمام مؤسسات را بازدید میکنند. مسافرت امسال از نیویورک بواسطه بودن بود.

در این کلاس پنجاه نفر محصل و محصله از ممالک ذیل بود: سوریه-چکسلواکی - فلسطین - سوئیس - چین - هندوستان - جزایر فیلیپین - مصر - روسیه - کره - انگلستان - استرالیا - افریقای جنوبی - لاتوی - ژاپون - یونان - فرانسه - بین النهرین - آلمان - مجارستان - اکواتر که با ایران بیت و دو مملکت میشد .

اغلب این اشخاص دارای سن متوسط بین سی و چهل بودند و معمرترین آنها اهل ژاپون و پنجاه و پنج سال داشت . هر يك از آنها در مملکت خود دارای شغل آبرو مندی بود از قبیل مفتشی معارف در حلب - معلمی دارالمعلمین در فلسطین - ریاست معارف در هونان (چین) - معلمی کالج در شانگهای ریاست تعلیمات در میسور (هندوستان) - معلمی دارالمعلمین در پاریس مدیریت دارالمعلمیات در برلن - مشاور فنی در تشکیلات بین المللی در ژنو - معلمی انگلیسی در استرلینگ (انگلستان) - ریاست معارف در اکواتر
امثال آن

مسافرت ما از یکماد قبل تهیه شده بود و بمدارسی که باید برویم و مهمانخانهائی که منزل کنیم و اشخاص مهمی که ملاقات نمائیم قبلاً نوشته بودند. چند روز قبل از عزیمت بموجب پروگرامی که بما دادند میدانستیم هر روز و هر ساعت چه خواهیم کرد.

روز دوشنبه ۱۷ نوامبر ۱۹۳۰ ساعت هفت و نیم صبح بوسیله دو اتوبوس مخصوص بمعیت پروفیسور ویلسن حرکت کردیم. دکتر خانم مک موری^(۱) معاون مشارالیه نیز همراه آمد تا مراقب محصلات باشد. ابتدا بطرف جنوب شهر نیویورک رفتیم تا رسیدیم بمدخل تونل هلاند که در فصل دوم از آن ذکر شد. از آنجا بوسیله تونل از زیر رود خانه هودسن عبور نموده بخاک نیوجرسی وارد شدیم. بنا بود در ساعت نه و نیم بدارالفنون پرنستون^(۲) برسیم. از مخرج تونل تا دارالفنون اتوبوسهای ما از راهی میرفت که آنرا مخصوص وسایل نقلیه سربع السیر بین نیویورک و واشنگتن ساخته اند. این راه از سمت مسلح ساخته شده و برای اینکه اتومبیل هابدون معطلی بتوانند مستقیماً با سرعت زیاد بمقصد بروند هر جا راه با راه دیگر یا با خیابان های شهرهائیکه بین نیویورک و واشنگتن هستند یا با راه آهن تلاقی کرده پلهای مرتفع آهنی در فوق آنها ساخته و راهرا از روی آن عبور داده اند.

این اقدام البته موجب راحتی اتومبیل رانی و کثرت سرعت شده و قدرت امریکائیهها را در صنعت نشان می دهد ولی از طرف دیگر تشکیل مناظری میدهد که همیشه قشنگ نیست و مختص بامریکااست. مهندسین برای ساختن این راه از هیچ عائقی ملاحظه نکرده و حتی برای حصول سرعت

(1) Ruth Mc Murry. (2) Princeton.

زیاد رعایت زیبایی شهرها را هم ننموده و از هر جا شده پل را زده اند چه بسا انسان چندین دقیقه از روی پلی عبور میکند که از اول تا آخر شهری زده شده و شباهت پلهائی دارد که برای ترن های هوائی در نیویورک ساخته اند. دو ساعت و نیم بظهر بدارالفنون رسیدیم و تا پنج ساعت بعد از ظهر در آنجا بودیم. چند نفر از برای پذیرائی ما معین شده بودند و ما را در باغ ها و عمارات و کتابخانه ها و لائبراتوریاها و سایر مؤسسات آن گردش دادند. دارالفنون پرینستون گرچه از حیث فضا و وسعت قابل مقایسه با دارالفنون کلبیا نیست معذالك دارای شهرت زیاد میباشد. چون خارج از شهر است زندگی محصلین جمع تر و گرمتر است. همه محصلین در خود آرز منزل دارند و از ۲۴۰۰ نفر تنها ۲۰۰ نفر دوره ما فوق عالی را در مهندسی تحصیل میکنند. از حیث ساختمان و منظره این دارالفنون شباهت بدارالفنون کامبریج (انگلستان) دارد و چون میزان حق التعلیم سالیانه آن ۴۵۰ دلار و سایر مخارج در ظرف نه ماه ششصد دلار است اغلب محصلین از خانواده های صاحب چیز هستند و از این نقطه نظر نیز بی شباهت بکامبریج نیست. شرط ورود محصلین علاوه بر تمام کردن یکی از مدارس متوسطه رسمی دادن امتحان است. باین دلیل بین محصلین اشخاصی پیدا میشوند که استعدادشان خوب ولی بضاعت کافی برای تأدیة تمام مخارج ندارند. اینست که خود دارالفنون وسایلی فراهم میکند که آنها با روزی یکی دو ساعت کار کسر خرج خود را پیدا کنند. در موقع ناهار یکصد نفر از محصلین را دیدم که پیراهن سفید روی لباسهای خود پوشیده کلاه چلواری بر سر گذاشتند و در اطاق بزرگ ناهار خوری مشغول خدمت بمابقی محصلین (یعنی ۲۳۰۰ نفر) گردیدند. معلوم شد اینها از محصلین بی بضاعت هستند و در اداء دو مرتبه غذا دادن

برفقای خود چاشت و نهار و شام را بآنها می دهند. چون کار بدنی کردن در امریکا مقدس است بهیچوجه نه محصلین خادم خود را کمتر از سایرین می پندارند و نه محصلین مخدوم بآنها بنظر غیر متساوی نگاه میکنند. بطوری که یکی از راهمایان اظهار کرد از بین این یکصد نفر دو سه نفر هستند که از طرف تمام محصلین بسمت ریاست بعضی از کمیته های اجتماعی دارالفنون انتخاب شده اند و خود این مسئله درجه احترام آنها را نسبت باین عده نشان میدهد. ملاحظه چنین وضعیتی در اروپا یا مشرق زمین ممتنع است زیرا که در این ممالک با دست و بدن کار کردن علامت پستی است و کسی را که بدان اقدام کند با دیده تحقیر می نگرند.

محصلین در دو سال اول هفته ای پانزده و در دو سال آخر کالج هفته ای دوازده ساعت درس دارند که باید در کلاس های عمومی حاضر شوند. سپس برای روشن شدن درس و مباحثه و دادن توضیحات لازمه ساعاتی هست که هر چند نفر محصل (که از ده نباید تجاوز کند) نزد یک نفر معلم می روند و اشتباهات خود را رفع و مطالب درس را تکمیل میکنند. این طریقه را که موسوم است به تعلیم بوسیله مقرر^(۱) مستر ویلسن^(۲) رئیس جمهور معروف امریکا قبل از انتخاب شدن در موقعی که ریاست این دارالفنون را داشت داخل کرده و نتایج خوب هم داده است. پس از تکمیل دروس محصلین یا باطاق خود یا در کتابخانه و لابراتوار رفته مطالعات شخصی و یاد گرفتن درس می پردازند.

علاوه بر تحصیل هفته ای چند ساعت هر يك از شاگردان صرف عملیات مافوق پروگرام میکند یعنی همان عملیاتی که محصل را برای زندگی اجتماعی

(1) Preceptorial instruction (2) Woodrow Wilson

حاضر میکند - یاو قوه ابتکار می دهد - یاو استقلال و کار دان می آموزد
در پرینستون این عملیات در تحت چهار عنوان در می آید:

۱ - ورزش یعنی فوتبال - بیس بال - باسکت بال - سر خوردن
شنا کردن و امثال آن

۲ - بازی گری یعنی نوشتن پیس و موقع نمایش گذاردن آن
از طرف محصلین.

۳ - موسیقی یعنی کنسرت های مهم با انواع و اقسام آلات .

۴ - تحریر و طبع و نشر روز نامه یومیه موسوم به پرینستونی (۱)

هر یک از ۲۴۰۰ نفر محصل بر حسب عشقی که دارد داخل کلوب یکی
از این عملیات میشود . هر کلوب از بین خود کمیته ای برای چند ماه انتخاب
میکند که ترتیب اقدام و شرکت هر یک از محصلین را میدهد .

برای ورزش سر پوشیده ای داشتند که ۵۰ متر طول و ۴۰ متر عرض
داشت . در طبقه تحتانی آن عده زیادی حمام دوش بود . بانضمام حوض بسیار
وسعی برای شنا کردن که در آن همیشه درجه حرارت آب را ثابت
نگاه می داشتند .

یکی از مسائل قابل توجه که در این دارالفنون وجود دارد و در اخلاق
محصلین آن کاملاً مؤثر است دادن قول شرف میباشد که از سال ۱۸۹۶
معمول شده است . هر محصل در موقع ورود بمدرسه قول شرف می دهد که
بر خلاف حقیقت رفتار نکند . همین قول کافی است برای این که اولیای
دارالفنون او را آزاد بگذارند و در پی مراقبت اخلاق او نباشند . در
موقع امتحان کتبی ممنحن موضوعاً در تالار امتحان می دهد و از در خارج

(1) Princetonian.

میشود و هیچکس برای تفتیش آنها در تالار باقی نماند. تجربه این سی و پنج سال ثابت کرده است که این نوع اعتماد داشتن بقول محصل موجب میشود که اگر اتفاقاً در بعضی موارد هم یکنفر بنخواهد تخطی کند سایرین جمعاً از او جاو گیری میکنند و واضح است قوه اجتماعی يك دسته برای متنبه کردن از هر وسیله دیگر مؤثر تر میباشد.

دارالفنون برینستون مؤسسه‌ای است خصوصی و با دولت هیچگونه رابطه‌ای ندارد. هیئت معتمدینی دارد مرکب از بیست و پنج نفر که هشت نفر آنها از طرف مجمع فارغ التحصیل‌ها نمایندگی برای مدت چهار سال تعیین و هفده نفر دیگر برای مادام‌العمر انتخاب میشوند و هرگاه کسی فوت کند یا استعفاء دهد مابقی اعضاء یکنفر را بجای او برمیگزینند. قیمت موقوفات دارالفنون بیست میلیون دلار است که سالی يك میلیون عایدی دارد. از محل حق‌التعلیم محصلین نیز يك میلیون دلار جمع‌آوری و با این دو میلیون تمام بودجه آن تأمین میشود.

پس از معاینه دارالفنون و صرف ناهار متجاوز از يك ساعت در تالار یاد بود بسر بردیم و رؤسای قسمتها توضیحاتی را که لازم داشتیم دادند. در این تالار تصویر بزرگ اشخاص مهمی را که در این مؤسسه خدمت کرده یا از آن فارغ التحصیل شده و بمقام شایخی رسیده‌اند بدیوارها نصب کرده‌اند. تنها تصویری که در حافظه من مانده همان مال مستر ویلسن رئیس جمهور متوفی است که امریکا را برای «حفظ دموکراسی» وارد جنگ بین‌المللی کرد و موجب آن شد که زودتر محاربه عمومی خاتمه پیدا کند.

پنج ساعت بعد از ظهر با همان اوتوبوس‌های مخصوص خودمان عازم

شهر ترنتن (۱) پایتخت مملکت نیوجرسی شدیم و دو ساعت و نیم بعد در مهمانخانه بزرگی که انتظار ورود ما را داشت پیاده و هر یک در اطاقی که معین شده بود منزل کردیم. با وجود اینکه شهر مذکور بیش از ۱۲۰ هزار جمعیت ندارد چند مهمانخانه عالی در آن هست که همه گونه وسایل راحتی در آنها فراهم است. در اطاقی که من داشتم علاوه بر مبل و اثاثیه ممتاز حمام و دوش و آب سرد و گرم دائمی و چند چراغ برق دائمی و تلفون و زنگ اخبار و لوله بخار آب جهت گرم کردن هوا موجود بود. در طبقه اول دو اطاق ناهار خوری بزرگ با شکوه - دو اطاق جهت سیگار کشیدن و خواندن روزنامه - یک تالار وسیع برای پذیرائی و استماع رادیو و غیره و غیره وجود داشت. شب را در مهمانخانه بسر برده روز ۱۸ نوامبر سه ساعت بظهر بوزارت معارف مملکت نیوجرسی رفتیم.

هر یک از چهل و هشت مملکتی که امریکا را تشکیل میدهند در معارف خود مستقل است و می تواند هر نوع بخواهد آنرا اداره کند. رئیس دولت هر کدام از ممالک متحده را ملت برای عمومی انتخاب میکند. در نیوجرسی مطابق قانون هیئت تشکیل میشود با اسم هیئت معارف که هشت نفر مرد و دو نفر زن در آن عضویت دارند و هر یک از طرف رئیس دولت برای مدت هشت سال انتخاب میشود. باین ترتیب که هر سال مدت عضویت یک نفر منقضی و بنا بر این یک نفر در هر سال تعیین میگردد.

علت اساسی این نوع انتخاب آنست که هیئت معارف از نفوذهای سیاسی مصون میماند و یک رئیس دولت که مثلاً از حزب دموکرات است نمیتواند در مدت چهار سال ریاست خود بیش از چهار نفر از حزب مذکور برگزیند

هیئت معارف یکی از متخصصین تعلیم و تربیت را که در رشته اداره کردن معارف تخصص دارد برای مدت پنجسال تعیین مینماید. وزیر معارفی که باین نحو انتخاب میشود دارای اختیارات تام و مسؤول هیئت معارف است. تمام مقررات کلی راجع بمعارف نیوجرسی را وزیر معارف بهیئت پیشنهاد ویس از تصویب آنها اجرا میکند.

ده سال است وزیر معارف مملکت نیوجرسی دکتر الیوت (۱) میباشد. مشارالیه مارا در وزارتخانه خود پذیرفت و سریعاً ادارات خود را بما نشان داد و رئیس هر يك را معرفی نمود. چهار نفر سمت معاونت او را داشته و ریاست ادارات عمده دیل را دارا هستند:

تعلیمات ابتدائی

تعلیمات متوسطه

تعلیمات فنی

تصفیه دعاوی

دو اثر دیگر وزارت خانه عبارت بود از دائره تربیت بدنی و امور صحی تشخیص میزان تحصیلات از روی اسناد صادره از مدارس - دائره امتحانات معلمین و معلمات - احصائیه - محاسبات و ملزومات - ابنیه مدارس پس از دیدن ادارات مارا بدارالمعلمین که در نزدیکی بود بردند. وزیر معارف در مصاحبت ما بود و در موقع ورود هیچیک از معلمین و معلمات باو تعظیم نکردند - در صورتی که نفوذ علمی و اقتدار اداری او زیاد است. دلیلش اینست که در امریکا دموکراسی است و هرکس خود را مساوی با سایرین میدانند و اعضای دولت همه خود را خادم ملت می دانند و بانهایت

(1) Charles H. Elliott

محبت و احترام با افراد صحبت و رفتار مینمایند. در ممالک اروپا غالباً این طور نیست. اگر مثلاً فرانسه را شاهد بیاوریم در آنجا ثبات يك اداره دولتی و حتی متصدی دکان سیگار فروشی (که بمناسبت انحصار دولتی توتون و فروش تمبر دولتی با ادارات دولت منسوب میباشد) با مردم نوعی رفتار میکند که گوئی همه برای خریدن تفرعن او خلق شده اند.

خلاصه - وزیر معارف با سه نفر از معاونین او تا چهار ساعت از ظهر گذشته اوضاع معارف مملکت نیوجرسی را برای مائشربح کردند و بسؤالات ما جواب دادند. فقط يك ساعت از این مدت صرف ناهار شد و محصولات مدرسه در اطاق ناهار خوری دارالمعلمین بطور میزبان از ما پذیرائی کردند. مملکت نیوجرسی قدری بیش از چهار میلیون جمعیت دارد. از این عده ۷۸۵ هزار نفر در ۵۳۰۹ مدرسه ابتدائی و متوسطه مشغول تحصیل هستند. بودجه مدارس رسمی آن قریب ۸۴ میلیون دلار است. مبلغ مذکور بوسیله وضع مالیات بر اموال غیر منقول جمع آوری میشود از قرار ۲٫۷۵ دلار از هر غیر منقولی که هزار دلار مالیات می دهد. نه عشر مالیاتی که از هر محل اخذ میشود صرف معارف همان محل می شود و يك عشر به نقاطی داده میشود که از نقطه نظر اقتصادی فقیر هستند و مالیات آن ها کفاف مخارجشان را نمیکند.

مملکت نیوجرسی به بیست و يك ناحیه تقسیم شده که هر يك دارای رئیس معارفي است که بر حسب پیشنهاد وزیر معارف از طرف هیئت معارف منصوب میشود.

تحصیلات تا شانزده سالگی اجباری است و محصلین و محصلات مانند اکثر نقاط امریکا در تمام مراحل با هم تحصیل میکنند و مدرسه ذکور و انات

علی‌حده ندارند. بیست و هشت هزار آموزگار در مدارس به‌تعلیم و تربیت اشتغال دارند. شرط معلمی در مدارس ابتدائی داشتن دیپلم فراغ تحصیل از دارالمعلمین است. در دوره اول متوسطه داشتن دیپلم مذکور علاوه دو سال تحصیل در کالج. در دوره دوم متوسطه داشتن درجه B.A. جهت تهیه آموزگار شش دارالمعلمین هست که دوره آن دو سال می‌باشد. اکنون مشغول تهیه بنای جدیدی برای هفتمین دارالمعلمین هستند که دارای چهارصد هزار متر مربع زمین خواهد بود و مبلغ سه میلیون و نیم دلار برای ساختمان آن کنار گذارده‌اند.

اداره تعلیمات فنی دارای شش دائرة ذیل بود: دائرة مدارس مستقل صنعتی و تجارتي و فلاحتی و صنایع مربوط بخانه. دائرة عملیات صنعتی و تدبیر منزل در مدارس ابتدائی و متوسطه. دائرة مدارس صنعتی بعد از دوره تحصیلات اجباری. دائرة تربیت آموزگار. دائرة تربیت استاد کار. دائرة آموختن صنایع مقتضی نازه بصنعتگرانی که در کارخانجات صدمه و آسیب دیده‌اند.

پس از ختم کنفرانس ها بهریک از ما رساله هائی دادند که در آن ها احصائیه و خلاصه قوانین و مقررات مملکت نیوجرسی طبع شده بود. ساعت چهار و ربع از ظهر با وزیر معارف دست داده و با قطار ساعت چهار و سی و هفت دقیقه عازم بالتیمور پایتخت مملکت میری لند (۱) شدیم. ترن‌ها خیلی پاکیزه و وسیع و راحت هستند و باندازه ای آرام در روی خط حرکت می‌کنند که انسان حرکت آنرا حس نمی‌کند. بعلاوه بواسطه آلیاژی که در سنوات اخیر تهیه کرده و راهرا با آن ساخته اند صدای مالش ترن بر روی راه خیلی

(1) Maryland

کم است. کمی صدا و حرکت دوزیستی است که عموماً ترنهای اروپا فاقد هستند. ترنهای اروپا بطور کلی دارای سه درجه اول و دوم و سوم میباشند در صورتیکه در امریکا بواسطه اینکه طبقات اجتماعی وجود ندارد و همه افراد با هم مساوی هستند و آزادانه بدون تکلف با هم نشست و برخاست میکنند در ترنهایک درجه بیشتر نیست. فقط در بعضی ترنها اشخاصی که میخواهند شب را در ترن بخوابند یا بدلائلی از قبیل کسالت یا نوشتن مراسله یا خواندن کتاب بخوابند تنها باشند در اطاقی می نشینند موسوم به پولمن^(۱) که دارای صندلیهای علیحده است و شب مبدل به تخت خواب میشود. چون مسافرت ما قریب سه ساعت طول میکشید شامرا در ترن خوردیم. اطاق مخصوص نهار خوری در وسط ترن بود عیناً مانند رستوران نظیف و مجلی. ده میز چهار نفری در این اطاق وجود داشت و اقسام غذا و خوراک مهیا بود.

در بالیمور مهابخانه معروف رنر^(۲) که در وسط شهر و قرب وزارت معارف مملکت مری لند است منتظر ما بود. شب را در آن بسر بردیم و چهار ساعت بظهر روز ۱۹ نوامبر بمعاینه و باز دید دارالمعلمین دولتی در نزدیکی شهر توذن^(۳) که جزء حومه بالیمور میباشد رفتیم.

از کلمه دارالمعلمین نباید استنباط کرد که فقط در آنجا معلم تربیت می کند بلکه بواسطه نداشتن کلمه جامع است که این لفظ استعمال میشود و الا در دارالمعلمین هم معلم تربیت میکنند و هم معلمه. چنانکه سابقاً اشاره شد در امریکا عموماً مرد و زن با هم تحصیل میکنند. از مدرسه مادرانه تا دارالفنون. این وضعیت در هیچ نقطه دیگر عالم وجود ندارد. علت پیدایش آن اوضاع اقتصادی و اجتماعی امریکا بود در قرن نوزدهم. پس از اینکه در ۱۷۷۶ استقلال امریکا

(1) Pullmon (2) Rennert (3) Towson

اعلام و در ۱۷۸۳ بر سمیت شناخته شد ساکنین سواحل اقیانوس اطلس شروع به هجرت بطرف اقیانوس کبیر کردند. تسخیر و آباد کردن اراضی وسیع و فائق شدن بر موانع طبیعی صد و بیست سال طول کشید. در این مبارزه طولانی با طبیعت مساکن طوری از یکدیگر دور بود که چنانچه بنا میشد برای دخترها و پسرها مدرسه علیحده باز کنند عده شاگردانی که بیک مدرسه میتوانستند بروند خیلی کم میشد. باین دلیل در همه آنها مرد و زن با هم تحصیل کردند و این سابقه در زندگانی امریکا باقی ماند. امروز امریکائیها بآن مباحثات میکنند زیرا که باین ترتیب اولاً فرق بین مرد و زن گذاشته نمی شود و تساوی بین آنها موجود است ثانیاً بواسطه اعتیاد مرد و زن بملاقات دائمی یکدیگر عوارضی که در غیر این صورت از معاشرت با هم برای آنها ظاهر می شود صورت نمیگیرد ثالثاً مردها نزاکت و ملامت را از زنها میآموزند و زنها تهور و شجاعت را از مردان. ولی نباید تصور کرد که بواسطه بودن آنها در یک مدرسه تمام تحصیلات آنها یکی است بلکه در عده ای از دروس با هم تحصیل میکنند و موادی که مختص زنها است از قبیل خیاطی و طبخ و بچه داری برای زنها اجباری و برای مردان اختیاری است.

مملکت میری لند دارای یک ملبون و ششصد هزار جمعیت است که نصف آن تنها در شهر بالتیمور میباشد و چهار دارالمعلمین دارد که دارالمعلمین توون بزرگترین آنها است. محل آن در بالای تپه ایست که از اطراف بر جنگل احاطه دارد. ششصد و چهل نفر محصله و شصت نفر محصل در آن مشغول آموختن فنون تربیت بودند. این تباین عمده بین عده زن و مرد از اینجا ناشی است که اساساً در مدارس ابتدائی تقریباً تمام آموزگاران از طایفه نسوان و در مدارس متوسطه هم اکثریت با آنها است. علت آنست که

در زمان مهاجرت از مشرق بمغرب مردها در عقب کشت و زرع و شکار و جنگ بر علیه بومیها و حیوانات درنده بودند و فقط زن های توانستند عهده دار تربیت اطفال شوند. باین جهت عادت و سابقه بر این شد که آموزگاران مدارس از طبقه انات باشند. فایده عمده این ترتیب آنست که در مدارس مادرانه و کودکانها و مدارس ابتدائی معلمات بواسطه رغبتی که جنس زن بطفل و تربیت او دارد از جان و دل وظیفه خود را ایفاء میکنند و عشق مفروطی بکار خود نشان میدهند. چه بسا اتفاق افتاده است که معلمات کلاس های ابتدائی را خواسته اند ترقی و ترفیع داده بمعلمی کلاس های متوسطه بگمارند و آنها با وجود داشتن شرایط قانونی از رها کردن کلاس های ابتدائی و تربیت اطفال خرد سال امتناع ورزیده اند!

شرط ورود بدارالمعلمین نوزن فراغ تحصیل از یکی از مدارس متوسطه رسمی است و دوره تحصیلات آن در آن موقع دو سال بود ولی بنا بود از سپتامبر ۱۹۳۱ سه سال بشود.

در تمام امریکا قریب چهار صد دارالمعلمین است که يك ثلث آن دوره تحصیلاتش چهار سال عافوق متوسطه میباشد و بنا بر این معادل است با دوره کالج. دوره تحصیلات مابقی آنها مانند دارالمعلمین نوزن عموماً دو سال است ولی مجاهدت دارند بچهار سال ترقی دهند. وقتی دوره تحصیلات بچهار سال رسید علاوه بر تربیت معلم برای مدارس ابتدائی جهت مدارس متوسطه نیز آموزگار تهیه مینمایند.

اساس فکر امریکائیه اینست که معلم مدارس ابتدائی و متوسطه لا اقل چهار سال بعد از دوره متوسطه در رشته تعلیم و تربیت و مواد تخصصی خود تحصیل و عمل کنند.

سه شعبه برای تخصص معلمین و معلمات در توزن موجود است که هر يك از محصلات بر حسب تمایل و عشقی که دارد یکی از آنها را انتخاب میکنند. آن سه شعبه عبارتست از معلمي مدارس روستائی - معلمي كودكستان و تلاس های اول ابتدائی - معلمي كلاس های عالی ابتدائی ، منضم بدارالمعلمین يكباب مدرسه ابتدائی است که محصلات و محصلین در تحت نظر معلمین دارالمعلمین در آن تدریس میکنند . چون يك مدرسه برای عملیات هفتصد نفر شاگرد کافی نیست چهل باب از مدارس شهر بالتیمور برای این منظور تخصیص داده شده است . در این مدرسه چهار نوع درس داده میشود . نوع اول دروسی است که بر میزان اطلاعات و معلومات شاگردان میافزاید ، نوع دوم دروسی است که اصول تدریس هر يك از مواد پروگرام را تشریح میکند . نوع سوم علم تعلیم و تربیت است که شامل معرفت النفس عامی - اندازه گرفتن هوش و معلومات - تاریخ و اصول تعلیم و تربیت می باشد . نوع چهارم عمل بتدریس است .

مدرسه شبانه روزی است . يك عمارت بزرگ چهار طبقه برای زندگانی محصلات ساخته شده است . ریاست مدرسه بعهده خانمی است بسیار باوقار و مقتدر . سی نفر معلمه و سه نفر معلم در آنجا تدریس میکنند . کلیه مخارج هر شاگرد در سال ۶۵۱ دلار است . از این مبلغ هر شاگرد سالیانه ۱۸۰ دلار یعنی هفته ای پنج دلار جهت غذا می پردازد . بقیه را وزارت معارف میزنی لند از بودجه معارف تأدیه می کند . در عوض هر محصل با محصله باید تعهد کند دو سال با حقوقی که قانون معین می کند در آن مملکت تدریس کند .

مدرسه دارای کتابخانه ای است که سی هزار جلد کتاب مجلد و سه هزار

بدون جلد دارد . در قسمت علوم و مسائل مربوط بخیداطی و نقاشی و طبباخی لابراتوارهای مخصوصی است . وسایل تفریح و تربیت محصلات و محصلین برای معتاد شدن به تشریک مساعی و پیدا کردن استقلال و قوه ابتکار همه قسم فراهم است . در سیصد و پنجاه هزار متر مربع زمینی که متعلق بدارالمعلمین است باغچه های زیبا - جنگل مصفا - قطعات مخصوص جهت هر يك از انواع ورزش موجود است . بعلاوه در عمارتی علیحده تالار بسیار وسیعی برای معاشرت و نشست و برخاست محصلین و محصلات و اطاق های دیگر جهت تجمع کلوبهای مختلف مدرسه از قبیل کلوب ورزش - کلوب موسیقی - کلوب مباحثه در امور معضله اجتماعی و اقتصادی و سیاسی تخصیص داده شده است .

ما از سه ساعت به ظهر تا پنج بعد از ظهر در مدرسه بودیم و مطابق شوق خود باطاق های درسی که میل داشتیم رفتیم . از این هشت ساعت نیم ساعت را صرف خوردن ناهار در مدرسه کردیم . محصلین و محصلات در موقع عادی خودشان خدمت خود را میکنند . ما چون مهمان بودیم چند نفر از محصلات میزبان شده بودند . در اطاق ناهار خوری متجاوز از پانصد مکان هست و ترتیب آن بر طبق ترتیب کافتربا است که در فصل دوم یکی از آنها را شرح دادم .

چهار ساعت از ظهر گذشته دروس مدرسه خاتمه یافت و ما را بتالار پذیرائی مدرسه دعوت کردند و در آنجا رئیسه مدرسه و معلمات و محصلات ارشد توضیحات لازمه را داده بسؤالانی که از آنها کردیم جواب دادند . سپس چای صرف شد و با اتوبوس های مخصوصی که آمده بودیم به بالتیمور مراجعت کردیم .

شب پس از صرف شام بوزارت معارف رفتیم و وزیر معارف میری لند

دکتر کوک^(۱) ترتیب اداره شدن معارف آن مملکت را برای ما تشریح کرد میری لند به ۲۴ بلوک و یک شهر بالتیمور تقسیم شده و هر یک در اداره کردن معارف خود با رعایت قوانین معارفی مختار و آزاد است. هر یک دارای هیئت معارف علیحده است که اعضاء آن از طرف رئیس دولت میری لند انتخاب میشود. رئیس معارف بلوک را هیئت مذکور تعیین میکند و وقتی این تعیین رسمیت حاصل میکند که وزیر معارف آنرا تصدیق کند. هر بلوک نیز بچند ناحیه تقسیم و هر ناحیه دارای هیئت معتمدینی است که اعضاء آن سه نفر و از طرف هیئت معارف بلوک تعیین میگردند. بودجه معارف هر بلوک را هیئت معارف تدوین و بمحلی که لازم است مالیات نیز بر مردم همان بلوک تحمیل می کند که توسط مأمورین مالیه جمع و بخرانه میرود. بودجه دخل و خرج که باین ترتیب حاضر میشود نزد وزیر معارف ارسال میشود و او پس از اطمینان نظر به هیئت معارف مملکتی تقدیم می کند و همین که بتصویب رسید دو ماه قبل از حلول سال بر رئیس معارف بلوک ابلاغ و حواله پرداخت سالیانه بعهده یکی از بانگها صادر میشود. باین ترتیب رئیس معارف بلوک در ماه نوامبر ۱۹۳۰ می داند که در سال ۱۹۳۱ چه مبلغ و بجه ترتیب باید خرج کند و تمام وجوهی که باید بمصرف برسد نقداً در بانک با اختیار او موجود است. وزیر معارف در موقع اطمینان نظر در بودجه هر بلوک دقت میکند که قوانین معارفی مملکتی مراعات شده باشد و در صورتیکه هیئت معارف آنجا حداکثر مالیاتی که قانوناً ممکن است وضع کند نموده باشد و معذالک بواسطه فقر آن بلوک تکافؤ مخارج آنرا نکند از محل هائی که با اختیار اوست کسر بودجه آنرا نمایند.

(1) Albert S. Cook

اطلاعاتی که وزیر معارف ما داد خیلی مبسوط بود و می‌رساند که در عین اینکه قانوناً هر يك از ممالك متحده مستقل است و معارف جدا گانه دارد معهدا در نکات اساسی شباهت دارند. اختلاف عمده ای که بین نیوجرسی و میری لند دو و حله اول دیده میشود اینست که در اولی دوره تحصیلات مدارس ابتدائی هشت و متوسطه چهار سال و در میری لند فقط هفت سال در مدرسه ابتدائی و چهار سال در مدرسه متوسطه تحصیل میکنند. لیکن این مسئله هم باز عمومیت ندارد زیرا که بواسطه اختیاراتی که بهر ناحیه داده میشود و بواسطه آزادی مطلق که قوانین اساسی مدارس ملی اعطاء کرده در دو مملکت فوق الذکر همه نوع مدرسه ابتدائی و متوسطه موجود است چنانکه علاوه بر دو سیستم مذکور در بعضی نقاط مدرسه ابتدائی شش و متوسطه نیز شش سال دارد.

روز بیستم نوامبر را مطابق ترتیبی که قبلاً داده بودند بنا بود در بلوک مجاور شهر بالتیمور که باسم بلوک بالتیمور معروفست بسر بریم. چهار ساعت بظهر رئیس معارف آنجا با یکنفر مفتش و یکنفر مفتشه مملکتی بمهمانخانه ما آمده بوسیله اتومبیل هائیکه تهیه شده بود ابتدا بقصد ریسترنون^(۱) رفتیم. راهی که طی کردیم بسیار مصفا بود در دو طرف جاده خانهای دو طبقه و سه طبقه ساخته بودند و جلوی هر یک از آنها باغچه ای دیده میشد که از گد و چمن آراسته و سلیقه صاحبان خاندها نشان می داد. اول مدرسه ای که مشاهده کردیم مدرسه فرانکلین^(۲) بود.

مدرسه مذکور مدرسه ایست متوسطه که در وسط اراضی وسیع مصفا ساخته شده و در مجاورت آن نیز یکباب مدرسه ابتدائی است. دوره ابتدائی

(1) Reiserst own (2) Franklin

آن هشت و متوسطه آن چهار سال است. تحصیلات متوسطه بچهارشعبه تقسیم شده از اینقرار:

شعبه تجارت - شعبه فلاحه - شعبه عمومی - شعبه تهیه برای ورود بکالج هر شاگرد برای اینکه از این مدرسه فارغ التحصیل شود باید شانزده «واحد» در یکی از شعبات فوق تحصیل کرده امتحان بدهد. در مدارس متوسطه هر واحد عبارتست از درسی که در مدت یکسال تحصیلی از قرار هفته ای چهار ساعت داده شود. در هر یک از شعب چهارگانه شاگرد باید چند واحد (یعنی چند درس) را اجباراً بیاموزد و چند واحد دیگر را تا میزان شانزده واحد بر طبق میل خود انتخاب کند. مثلاً در شعبه عمومی که جهت اشخاصی است که می خواهند معلومات و اطلاعات خود را تا سن رشد زیاد نمایند بدون اینکه رشته خاصی را در نظر داشته باشند ده واحد ذیل اجباری است:

انگلیسی ۴ واحد

ریاضیات ۱

علوم طبیعی فیزیک و شیمی ۲

تاریخ ۲

عملیات دستی یا صنایع مربوط بخانه ۱

شش واحد دیگر با اختیار شاگرد است که از بین دستور تحصیلات مدرسه هر یک را دوست داشت انتخاب می کند. بنا بر این نه فقط شاگرد بدو هر شعبه را خواست بمیل خود برگزیند بلکه در خود شعبه نیز دروسی را شخصاً تصمیم بخواندن می کند. در مدارس اروپا بهیچوجه این آزادی برای شاگرد نیست: شعبه تجارت و فلاحه و عمومی در مدارس متوسطه ندارند. از دو شعبه ادبی و علمی که دارند شاگرد مجبور است یکی را تعقیب کند.